مردم ایران میان دو سنگ آسیا

حسن بهگر



آنچه که در ایران امروز می گذرد دلخراش و هولناک است. گرانی و گرسنگی از یک سو و بیماری کرونا از سوی دیگر امان مردم را بریده است و در این میان آمریکا هر روز بر تحریم ها می افزاید.

به این سؤالات نمی پردازم که بر اساس چه سیاستی کشور تحریم شده، یا اینکه با چه توجیهی این فشار بر مردم ایران وارد شده، یا اینکه قرار است که از این تحریم ها منتفع شود. جواب اینها را کمابیش می دانیم، یا بهتر است بگویم هر کس جواب خود را دارد.

می خواهم به وضعیت روی زمین بپردازم و پرسشی بسیار ساده مطرح کنم، اینکه عاقبت تحریم های آمریکا در ایران به کجا خواهد کشید؟

گفته می شود خطر جنگ کلاسیک ظاهراً موجود نیست. بسیار خوب، ولی ایران به کدام سو می رود؟

دو مشکل عمده ی امریکا با ایران یکی بر سر موشک های بالیستیک با برد حداکثر 2500 کیلومتر است و دیگری متحدان ایران در منطقه.

اتهام نقض توافق بین المللی در مورد برنامه هسته ای تا به امروز بازتابی جدی نداشته است. همه میدانند که بمبی در کار نیست.

ایران متحدانی در منطقه دارد که برای آمریکا و اسراییل خطرساز هستند. حشدالشعبی در عراق، حزب الله لبنان و شورشیان حوثی در یمن که علیه عربستان می جنگند و انواع میلیشیا در سوریه.

کوشش های امریکا در عراق و لبنان برای جدا کردن و ضعیف کردن متحدان ایران هنوز نتیجه ی مورد نظر را نداده و بعید است که بدهد چون حزب الله نیرویی لبنانی و بسیار قدرتمند است. حتی راندن این کشور به سوی جنگ داخلی هم که ممکن است در برنامه باشد، قادر به حذف شیعیان که نقداً حزب الله نیروی اصلی نظامی آنهاست، از صحنهُ سیاست لبنان نخواهد بود.

آمریکا حتا در عراق مجبور به بیرون کشیدن بیشتر نیروهای خود

شده است و بالاخره نیروهای خود را تخلیه خواهد کرد. در یمن هم، گرچه ظاهرا عربستان خواستار پایان دادن به جنگ با هوثی هاست ولی نبرد هنوز ادامه دارد. پروژه ی داعش نیز به شکست انجامیده و آمریکا ته مانده ی نیروهاییش را در عراق و سوریه و افغانستان برای روز مبادا در آب نمک خوابانده. در یک کلام موقعیت آمریکا، به رغم تمامی تهدیدها و پرخاشجویی ها، بسیار بد است و چند سال است که به طور مدام در جهت ضعیف شدن حرکت می کند.

باید دید هدف استراتژیک آمریکا از این تحریم ها چیست اگر مقصود آمریکا فقط مجازات مردم ایران است که مردود است، چون به هر صورت حکومت ایران نماینده ی مردم کشور نیست. ولی اگر میخواهد حکومت را مجبور به قبول خواست های کلیدی خود بکند، امکان موفقیت آن مورد تردید است. به ویژه آنکه در کوشش برای تشکیل یک ائتلاف تحریم علیه ایران شکست خورده و فقط میلیاردها دلار بانک های اروپای و چینی و غیره را جریمه کرده است. تحریم ها تا کنون به نتایج دلخواه منتهی نشده است. کشورهای مختلف تحریم ها را با بی میلی رعایت می کنند و بعید است حاضر شوند وارد جنگ با ایران بشوند.

ایران در آسیا هنوز روابط خوبی با چند کشور دارد و موقعیت ژئوپولتیک و معادن نفت و گاز ایران برای روسیه و چین بسیار مهم است. یعنی در نهایت، طرف شدن با ایران، یعنی طرف شدن با روسیه و چین. حال باید دید آمریکا تا چه حد حاضر است در این مورد با روسیه و چین برخورد کند. تحریم ها که از حدود 35 سال پیش شروع شده تا کنون نتیجه نداده است و ایران اکنون شدیدترین تحریم ها را متحمل می شود.

استفاده ابزاری آمریکا از شورای سازمان ملل برای تحمیل تحریم ها، این سازمان را که باید صلح جهانی را حفظ کند، به بزرگترین اهرم تحریم ها مبدل کرده است و آن را از وظیفه اصلی خود بازداشته و به ابزار هوی و هوس ایالات متحده ی آمریکا تبدیل کرده است. ایران با امضای برجام نشان داد که به حل مسأله می اندیشد و حاضر است در این راه گام بنهد. اما خروج یکطرفه ی آمریکا نشان داد که این کشور به عهد و امضای خود پایبند نیست. اینکار از نظر دیپلماسی ضربه ای بزرگ به این کشور زد و این بی حیثیتی و بی اعتباری سیاسی در کارنامه ی جهانی آمریکا خواهد ماند. کشوری با این وزنه ی جهانی نمی تواند اینطور خود را بی اعتبار کند و به همه نشان بدهد که فقط به زور تکیه می کند و حتی به فکر حفظ ظاهر هم نیست.

آمریکا با ترور سلیمانی بر وخامت روابط دو کشور افزود. نفس کشتن سلیمانی کار مشکلی نبود. جرج بوش و اوباما نیز می توانستند چنین کاری کنند اما نکردند، چون می دانستند که از نظر سیاسی کار غلطی است. ترامپ با پاره کردن برجام و افزودن تحریم ها و دوازده شرط پومپئو و ترور سلیمانی نشان داد که فقط به تسلیم بی قید و شرط قانع خواهد شد. یعنی هدفی برای خود تعیین کرده که دتیابی بدان غیرممکن می نماید.

جمهوری اسلامی با نداشتن نیروی هوایی کارآمد ناچار است که بر سر موشک ها ایستادگی کند که تنها سلاح دفاعی کشور است. البته تکیه اش بر نیروهای مسلح خارج از کشور به هر صورت تابع جذر و مدهای سیاسی خواهد بود، ولی در تمامی معادلات استراتژیک به حساب میاید.

اروپا به عنوان پشتیبان برجام، به حد واسطگی برای آمریکا نزول کرده است ولی تمایلی برای شرکت در جنگی دیگر در خاورمیانه نشان نمی دهد. نقداً چندین کشور اروپایی سربازان خود را از عراق خارج کرده اند و سوئد دستکم تلاشهای نظامی خود را در عراق متوقف کرده است

سخن اروپا که ایران از قرارداد پیروی کند ولی آمریکا همچنان بر تحریم ها بیفزاید بیشتر به شوخی شبیه است. تحریم ها که حتا عملاً دارو و وسایل پزشکی را هم شامل می شود، در شرایط فعلی بحق باید جنایت شمرد و نام دیگری ندارد.

مردمی که 40 سال پیش برای آزادی و استقلال قیام کردند در اثر خیانت خمینی و ملایان در شرایطی گرفتار شده اند که باید به فکر خوراک روزانه و مسکن خود باشند و از آمریکا همانقدر ضربه ببینند که از حکومت خودشان. از جانب دیگر، سیاست آمریکا در ایران به ضرر اپوزیسیون دموکرات است، درحالی که خواست دموکراسی و آزادی بطور قوی در جامعه ایران وجود دارد و باید تقویت گردد. با گرسنه نگهداشتن مردم بدیهی است که زنده ماندن در اولویت قرار می گیرد و خواست آزادی موقتاً کنار گذاشته می شوند. آمریکا جامعه ی ایران را تضعیف می کند و از سوی دیگر بر آن فشار می آورد که انقلاب کن و رژیمی را که ما نمی پسندیم، عوض کن!

سیاست ملایان حاکم همچنان صدور انقلاب و صرف پول های هنگفت برای جلب پشتیبانی نیروهای های شیعه در کشورهای منطقه است. چنین سیاستی به ناچار در تعارض با سیاست های همسایگان ایران بویژه

ترکیه و عربستان سعودی قرار داده و ایران را برای آنها تبدیل به مشکل کرده است. در نتیجه آمریکا با استفاده از فرصت و با جلوه دادن ایران به عنوان بزرگترین دشمن منطقه از اعراب باج خواهی می کند و سلاح های خود را می فروشد و به اسرائیل سلاح مجانی میدهد.

در نهایت، دخالت آمریکا و ظلم آشکارش اگر سودی برای آمریکا نداشته باشد، برای خامنه ای بی فایده نیست. گرچه مردم از گرسنگی و تحریم رنج می برند ولی از دخالت خارجی بیمناک هستند و کشورشان را دوست دارند و ناچارند با همین حکومت بسوزند و بسازند. بر خلاف تصور ترامپیست ها، دخالت آمریکا نه تنها برای ما سودی نداشته است بلکه اپوزیسیون را ضعیف کرده و موضع دولت را در دفاع از کشور موجه جلوه داده است. از سوی دیگر، جامعه ای را که باید با دولت مصاف بدهد، به نهایت تضعیف کرده است. ملایان با سرکوب ملت فقط به چپاول مشغولند و لحظه ای به مردم فکرنمی کنند و سزای این ناسپاسی را دیر یا زود خواهند چشید.

آنچه ترامپ بدان امیدبسته فقر و ذلت و گرسنگی مردم است که به میدان بیایند و شورش کنند. ولی این حکومت اگر در هر امری ناتوان است در سرکوب و جنایت زبده و بی محاباست. هرگونه اعتراض و قیام مردم بدون سازماندهی و رهبری درحکم گوشت دم توپ شدن است.

خروج آمریکا از برجام گرچه آسیب های جدی به ایران زده ولی نتوانسته دست و پای ایران را ببندد. برقراری دوباره ی همه ی تحریم های دیگر برای آمریکا آسان نخواهد بود. چنانکه از سفر اخیر پمپئو برمی آید، اروپا مطلقاً تمایلی به همکاری در این زمینه ندارد. اگر چین و روسیه در سازمان ملل از ایران حمایت کنند و چین به خرید نفت ادامه دهد، حکومت ملایان دوام خواهد آورد، ولی بسیاری از مردم از پا درخواهند آمد، ولی چیزی نصیب امریکا جز بدنامی نخواهد شد.

آمریکا ایران و مردمش را نشناخته و سیاستش بیشتر ملهم از اسراییل است تا متکی بر واقعیات و چیزی بیشتر از همین حکومت اسلامی از تاریخ ایران نمی داند، بدتر از همه اینکه روحیات مردم این کشور را نمی شناسد. تحقیری که نسبت به مردم ما نشان می دهد از جهل و البته خود بزرگ بینی اش نشأت می گیرد. آخر از همه اینکه بیش از حد روی اپوزیسیون چلبی وار حساب کرده است ، یعنی به حرف عروسکی که خودش ساخته گوش می کند! با این روش به جایی نخواهد رسید.

حسن بهگر

شنبه – ۷ تیر ۱۳۹۹

2020-06-27

برگرفته از سایت ایران لیبرال